

فاطمه اسوه مقاومت ( بانوی آزاده )  
شاعر : وحید ولوی

بازیچه کردن - طوفان و سیلاب

گل رو میون - دنیای مرداب

آزادباشون - حرف دروغه

با اینکه میگن - اینا حقوقه

آزادی یعنی اینکه عشق رو داری

آزادی یعنی تو ظلمت بیداری

آزادی یعنی روح باشه آزاده

آزادی یعنی زن باشی و ایستاده

في المعركة كالجبل و في الأسيرة كالعسل و المرأة حين العمل أسوتها زهراء و علي

در هر نبردی - یک روح محکم

میشه پناهه - قلبای پر غم

مته یه خورشید - دریای نوره

زن مته زهرا - کوه صبوره

رو قله پرواز کن از قله بالاتر

این بار تو آغاز کن آواز زیباتر

دنیا رو با نور ولای فاطمه پُر کن

با کیمیا، سنگ دلای خسته رو دُر کن

في المعركة كالجبل و في الأسيرة كالعسل و المرأة حين العمل أسوتها زهراء و علي

دنیای تاریک - محتاج نوره

از عشق و پاکی - این روزا دوره

یک حرف تازه - یک جمله از تو

می سازه با عشق - دنیا رو از نو

حرف حقه که می سازه فردا رو

کافیه دنیا بشناسه زهرا رو

از دست تاریکی میشه وارسته

میفهمه راهی که رفته بن بسته

في المعركة كالجبل و في الأسيرة كالعسل و المرأة حين العمل أسوتها زهراء و علي